

## معلولیت، نباید سبب محرومیت گردد!

### چهارشنبه ۱۰ میزان ۱۳۹۸ - سیف الرحمن "عیارلمر"

معلولیت یک پدیده بشری است که زندگی انسان‌ها در طول تاریخ از آن فارغ نبوده. در واقع معلولیت همزاد زندگی بشر می‌باشد؛ آنچه که موجب تفاوت یا کاهش و افزایش معلولیت در جوامع گردیده علل یا زمینه‌های معلولیت است. مسئله معلولیت در جامعه همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر بشری می‌تواند از زوایای گوناگون مورد ارزیابی قرارگیرند، و همینطور جامعه به تناسب شرایط و وضعیت و سطح آگاهی و برخورداری به موضوع معلولیت نگاه‌های متفاوت داشته باشند. بر اساس احصایه گفته می‌شود نزدیک به ده درصد جمعیت جهان را، افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهد. از میزان ارائه شده بیشترین رقم کشورهای جهان سوم را معلولین تشکیل می‌دهند.

درباب ریشه‌های معلولیت بطور کلی دو عامل در بوجود آمدن معلولیت زیاد نقش دارید: یکی عامل طبیعی و دیگری آن عامل غیرطبیعی ( بیماری، جنگ، آسیب‌های گوناگون و...).

جامعه ما نیز به مانند هر جامعه ای دیگر افراد و اشخاص دارای معلولیت را در خود داشته است. شاید آنچه که در گذشته موضوع معلولیت مورد توجه قرار نداشته است اولاً عدم آگاهی عمومی است؛ دوم، فقدان امکانات و زمینه اطلاع رسانی می‌باشد. به تناسب رشد اجتماعی و افزایش آگاهی جامعه و توسعه امکانات اطلاع رسانی مسئله معلولیت اکنون مبدل به یک موضوع حاد و جدی اجتماعی گردیده است که بسیاری از موضوعات حقوقی، سیاسی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده. متأسفانه سه دهه جنگ و بحران سیاسی، نظامی و اجتماعی، تعداد معلولین را در افغانستان بیش از سایر کشورها، به گونه قابل ملاحظه ای افزایش داده

است. گفته می‌شود که نزدیک به یک میلیون نفر دارای معلولیت بوده و از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن رنج می‌برند. هرچند واقعیت آنست این‌که تاچه تعداد از این معلولین، در اثر جنگ‌های خانمان‌سوز دچار معلولیت شده‌اند و به چه تعداد دیگر از این افراد دارای معلولیت مادرزاد یا طبیعی‌اند، آمار دقیقی در دست نیست. گزارش‌های نشر شده، هرچند معلومات اولیه را در اختیار می‌گذارد؛ اما آمار و اطلاعات دقیق را در اختیار قرار نمی‌دهند. تاسف دیگر در این است با در نظر داشت اینکه هنوز جنگ و بحران در کشور جریان دارد، متأسفانه معلولیت افراد جامعه نیز به نقطه پایان نرسیده. همچنان چنین عدم دسترسی بخش‌هایی از جامعه به صحت و امکانات بهداشتی سبب گردیده تا روند دچار شدن افراد جامعه به معلولیت تقویت گردد.

به هرروی صورت با توجه به ارقام و معلومات اولیه درباره اشخاص دارای معلولیت در جامعه، توقع جدی میرده تا هرچه بهتر و بیشتر برای افراد دارای معلولیت، کار و هزینه لازم اختصاص داده، سهولت‌ها و امکانات لازم، فراهم گردد تا آنان نیز هم چون افراد سالم، جذب جامعه شده و نقش خود را در عرصه‌های مختلف به شایستگی ایفا نمایند.

طوری‌که که یاد گردیدگفته بر اساس واقعیت‌های دریافتی و شواهد متقن کاملاً روشن است که معلولیت هرگز به معنای محرومیت نیست؛ هیچ انسانی فقط به دلیل داشتن نقص یا کاستی جسمی از حقوق انسانی و بشری خود محروم شده نمیتواند و هیچ کسی دیگری نیز حق ندارد که حقوق و کرامت شخص دارای معلولیت را زیر سوال ببرد. بلکه در مقابل همه افراد جامعه مسئولیت دارند که در احترام نهادن و رعایت حقوق همدیگر و حفظ کرامت و شخصیت با هم مساعی جدی و نهایی را بخرج دهند. در این راستا کاملاً طبیعی و مهم به نظر می‌رسد که جامعه برای دسترسی افراد

دارای معلولیت به حقوق انسانی شان و منزلت و جایگاه شایسته انسانی آنان در جامعه، بایستی راهکارهای مناسب و سهولت‌های لازم را فراهم گرداند.

در این راستا هر چند تا اکنون نهادهای دولتی از جمله وزارت دولت در امور شهداء و معلولین برای معلولین برنامه‌هایی اساسی را روی دست داشته و در آینده هم برای بهبودی وضعیت معلولین هر آنچه در توان دارد انجام خواهد داد. از جمله گفته می‌شود بخش بزرگ معلولین کشور وارد کورس‌های سوادآموزی و همچنان آموزش‌های حرفه‌ای و مسلکی شده‌اند و این مراکز برای باسواد و مسلکی ساختن معلولین از سوی وزارت کار و امور اجتماعی و سایر نهادهای خصوصی و دونه‌ها تاسیس شده و سعی گردیده که از لحاظ قانونی نیز با تصویب قانون تحت پوشش قرار گرفته و معاش ماهوار دریافت می‌کنند.

واقعیت روشن آنست که جامعه معلولیت نیازمند توجه جدی. زیرا بدلیل مشکلات شدید آنان از قبیل بی‌سرپناهی و مشکلات اقتصادی و تحصیل این قشر در معرض فشارهای شدید روحی و روانی قرار دارند. آنان بعنوان شهروندان جامعه نباید چنین احساس نمایند که معلولیت جسمی سبب محرومیت آنان از حقوق انسانی و قانونی شان می‌گردند. حکومت و نهادهای ذیربط حقوق بشر و در ارتباط با جامعه معلولیت مسئولیت دارند که تمهیدات لازم را فراهم نمایند. یکی از اقدام‌های اساسی این است که بعنوان پیش درآمد برای تامین جایگاه شایسته اشخاص دارای معلولیت در جامعه انجام کار فرهنگی یا فرهنگ سازی حقوق معلولین است. راهکار فرهنگ سازی ایجاب می‌نماید که مسئولین مربوطه در زمینه بهبود وضعیت معلولین در جامعه فرهنگ‌سازی نمایند، آنان بایستی یک تعریف تازه و مطابق به واقعیت از معلولیت برای جامعه معلولین و کل جامعه ارائه دهند. باید به جامعه فهمانده شود

که اصولاً معلولیت یک قهر الهی و یک طاعون مخوف اجتماعی و معلول، انسانی مفلوک، عاجز و شایسته کنار نشستن و تنهایی نیست، بلکه معلولیت انحرافی است در مسیر روابط طبیعی، علل و معلول حادثه دیده ای است در این فرایند ناخوشایند.

بنابراین، زمانی که معلول به خوبی شناخته شود و توانایی و ضعفش به درستی در جامعه انعکاس یابد، حقوق و تکلیف او نیز مشخص می شود؛ به عبارتی دیگر حقوق و تکلیف را ویژگی های یک نقش تعیین می کند. لذا حقوق و تکلیف شخص معلول نیز در ساحه ویژگی های نقش او تعریف گردد. در اینجا است که تحقیق و ترحم در مورد معلول بی معنا می شود و معلولیت محدودیت اگر باشد ولی هرگز توجیه کننده محرومیت نیست.